



چگونه اندیشه ای بزرگ داشته باشیم/ نکته ای مهم و جالب از دعای کمیل

انسان اگر لحظه ای از جانب پروردگار به خود واگذاشته می شود پرده ی غرور بر دیدگان عقل و اندیشه اش می افتد و در زندان خود گرفتار می شود تا آنجا که می انگارد به هر جا که رسیده از خود وی بوده است.

انسان اگر لحظه ای از جانب پروردگار به خود واگذاشته می شود پرده ی غرور بر دیدگان عقل و اندیشه اش می افتد و در زندان خود گرفتار می شود تا آنجا که می انگارد به هر جا که رسیده از خود وی بوده است. به گزارش خبرگزاری مهر، انسان باید همیشه در زندگی اندیشه بزرگ داشته باشد و در جهت رسیدن به آن پرده های غفلت و خجالت را پس بزند. رسیدن به این امر دارای رموزی است که انسان باید به این رموز برسد. در اینجا به برخی از آنها به طور خلاصه اشاره می کنیم.

در امور نباید مامور و معذور باشیم؛ انسان نباید کورکورانه کاری را انجام دهد و خود را موظف به کاری بداند که در انجام آن ناتوان است؛ چنین کاری ما را از هدفمان دور می کند. ما در هیچ کاری مامور و معذور نیستیم، مگر آن که به آن یقین داشته باشیم. به عنوان مثال دین مبین اسلام اعتقاد قلبی را قبول دارد اعتقاد به دین را کورکورانه رد می کند و می فرماید در دین هیچ اکراهی نیست، مگر آنکه شخص به یقین و ایمان قلبی رسیده باشد.

هر شخصی در هر سمت یا مقامی باشد نباید خود و دیگران را ملزم به انجام اموری کند که انجام آن باعث اجحاف، ظلم، ستم و تبعیض گردد و در محضر خداوند مسئول باشد. هر کاری باید با عشق و علاقه انجام گیرد تا شخص به هدف خود برسد و بتواند هدفش را به واقعیت برساند. بنابراین اشخاصی که خود را مامور و معذور می دانند از هر عملی برای رسیدن به هدفشان فرو گذار نیستند و خود را ملزم به انجام هر کاری می دانند چه آن کار درست باشد یا نادرست. این عمل برای کسانی که مسئولیت خطیری در دست دارند بیشتر به چشم می خورد و اگر کسی را به کاری می گمارند، اگر به آن کار یقین داشته و درستی آن طبق اصول و قانون باشد، در این صورت بر آن خواهند بود تا به دیگران و زیر دستان خود ظلمی رو نشود.

بزرگترین اشتباهی که می توانیم مرتکب شویم ترس دائمی از اشتباه کردن است؛ اگر فرد در انجام هدف خود دچار ترس واقعی شود پیشرفتی در کار خود نداشته و اخلاص به وجود خواهد آمد. با توجه به اینکه افراد از لحاظ قدرت فکری و جسمی و استعدادهای درونی و امکانات برای فعالیت ها متفاوت خلق شده اند، اگر آزاد نباشند و از انجام فعالیت های خود دائم در هراس باشند ناگزیر راه فعالیت بر افراد بسته شده و تحت سلطه دیگران قرار خواهند گرفت و در این صورت راه رسیدن به هدف بسته شده و مانع از رشد استعدادهای شگرف و قدرت و امکانات و سبب در راه تکامل و پیشرفت واقعی جامعه و خدمت و ارشاد خواهد شد.

وقتی که اشتباه می کنیم باید به خود بگوییم که اشتباه کردیم؛ انسان چه ذاتا و چه فطرتا در طلب راحتی و آسایش و همین طور ارضای تقاضای درونی خود بوده است و انسانهایی که در گذشته های دور زندگی می کرده اند، به طور آزمایش و خطا تجاربی را کسب کرده و کارهایی را انجام می دادند و در طی مراحل تکرار آن کار، یاد می گرفتند که کارها را خلاصه تر انجام دهند و همین طور به طور تجربی توانستند آن اعمال را گسترش دهند و در طی سالیان متمادی این تجارب که سینه به سینه منتقل می شد، به صورت مکتوب تدوین شده و نام علم و معلومات را به خود می گرفتند.

ذهن انسان دارای خاصیت یا بهتر بگوییم خلاقیت می باشد. وقتی شروع به تحقیق و فکر کردن می کند و دستاوردهای مغزی خود را به ورطه ی عمل و واقعیت می کشاند، در مسیر این واقعیت بخشیدن به بن بستهای متفاوت و زیادی بر می خورد و خیلی از راهها را به طور اشتباهی طی می کند و شاید برای تاوان این اشتباهات از آبروی خود مایه بگذارد. و اگر در مسیر زندگی به اشتباهی برخورد کردیم این موضوع را در نظر داشته باشیم که هر اشتباهی یعنی یک تجربه و دیگر اینکه این اشتباهات بین مخلوقات انسان وجود دارد و انسان دارای قوه ی تصمیم گیری و فکر کردن است، پس نتیجه می گیریم که اشتباه کردن هم برای انسان است و اعتراف به اشتباه خود و عبرت گرفتن از اشتباه خود و دیگران نه تنها عیب نیست بلکه راه گشای آینده ی ماست و همین اعتراف به اشتباه پیش فرد و دیگران، می تواند از بار عصبی درونی ما کاسته و آرامش خاصی به ما ببخشد.

خدایا مرا لحظه ای به خود وامگذار؛ وقتی در دعای کمیل انسان از خداوند متعال می خواهد که لحظه ای او را به خود وانگذارد، مسئله ی انسان بودن انسان مطرح می شود ولی وقتی خدای ناکرده همین انسان لحظه ای به خود واگذاشته می شود پرده ی غرور بر دیدگان عقل و اندیشه اش بر می کشد و در زندان خود گرفتار می شود تا آنجا که می انگارد به هر جا که رسیده از خود وی بوده است و فقط و فقط خود را می بیند و بس و همه چیز و همه کس را فراموش می کند و در منجلاب خودبینی و خودخواهی فرو می رود و از خودخواهی نیز تنها نفع خود را می خواهد.

بنابراین همه خطرهای برای انسان وجود دارد و در معرض چنین خطری چه کسی بهتر از خالق یکتا که انسان را نیک می شناسد، چرا که اوست چنین موجودی را آفریده است و او قادر است انسان را از چنین لغزشهایی مصون دارد و چه زیباست که خود انسان قصد کند تا خود را در پناه آفریدگار خویش قرار دهد و از چنین حائل و شب تاریک و بیم موج و گردابی به سلامت در گذرد.